

**علیرضا محمدی**

عباس اردستانی اولین شهید خیابان شهادت است. خیابانی در محله پل سیمان شهرری که بعد از شهادت او، بارها و بارها شاهد تشییع پیکر دیگر شهدای این محله بود و نامش از خیابان مهر نو به خیابان شهادت تغییر یافت. در واقع این سرخی خون عباس بود که بچه محل‌ها پیش را به رفتن و آسمانی شدن تشویق می‌کرد. شهید اردستانی ۲۸ آذرماه ۱۳۵۹ در سرپل ذهاب به شهادت رسید و پنج سال بعد برادر کوچک‌ترش محمد حسن اردستانی نیز در منطقه سلیمانیه آسمانی شد. حالا که سال‌ها از فوت پدر و مادر این دو شهید می‌گذرد، به گفت و گویا کبری اردستانی خواهر شهیدان پرداختیم تا علاوه بر بررسی زندگی برادران اردستانی، از حال و هوای خیابان شهادت بیشتر بدانیم.

■ ■ ■

**جو خیابان شهادت چطور بود که این همه شهید داده است؟ آماری از شهیدش دارید؟**

قبل از انقلاب نام این خیابان مهرنو بود، اما چون طی دفاع مقدس پیکر ده‌ها شهید را در این خیابان تشییع کردند، نامش را به خیابان شهادت تغییر دادند. تا آنجا که من اطلاع دارم حدود دویست و خرده‌ای پیکر شهید در این خیابان تشییع شده است که برادر بزرگ‌ترم عباس اردستانی اولین شهید بود. بعد از او مرتب در خیابان ما شهدای دیگر تشییع می‌شدند. در سال ۶۴ هم که دی‌گر برادران محمد حسن به شهادت رسید. خیابان شهادت یکی از فعال‌ترین خیابان‌های شهری از حیث فعالیت‌های انقلابی بود. خود عباس به همسر برادران بزرگ‌ترمان علی اصغر و حسین به دیگر جوان‌های محله، تظاهرات گسترده‌ای را در همین خیابان و سایر محلات شهر ری برگزار می‌کردند. حتی یادم است عباس آمده کرده بود هر کسی دلتش امام و انقلاب است، در خانه‌اش را باز بگذارد تا اگر مأمورها آمدند بتوانیم به خانه‌ها فرار کنیم. این حرف در محله ما مثل یک قانون درآمده بود و اغلب همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها در خانه‌هایشان را باز می‌گذاشتند.

**پس شهید عباس اردستانی از انقلابی‌های فواد بود؟ اگر می‌شود کمی بیشتر خانواده‌تان را معرفی کنید، شما اصالتی اردستانی دارید؟**

پدر بزرگ‌هایمان اهل اردستان اصفهان بودند، اما خودمان مدت‌هاست که تهران (شهر ری) زندگی می‌کنیم. پدرمان مرحوم حاج شعبان اردستانی در دباغ‌خانه کار می‌کرد. مادر مرحوم‌مان ربابه خانم هم خانه‌دار بود. ما سه خواهر و پنج برادر بودیم. علی اصغر بزرگ‌ترین‌مان بود، بعد خواهر فاطمه، حسین، عباس که سال ۲۸ دنیا آمد، بعد یکی دیگر از خواهرتم به نام محبوبه و بعد از محبوبه من هستم. شهید محمد حسن اردستانی آخرین فرزند خانواده بود. ما خانواده‌ای تماماً انقلابی داشتیم. علی اصغر که زمان انقلاب دانشجوی بود و به همراه حسین و عباس اول از همه بیدار شدند و خودشان هم باعث بیداری سایرین شدند. البته عباس از باقی فعال‌تر بود. با بعضی از دوستانش مثل شهید حسین علی محمدی، شهید فتحی و… در دبیرستان فعالیت‌های انقلابی می‌کردند. حتی یکبار دستگاه فکس مدرسه را بر داشته بودند تا با آن اعلامیه‌های حضرت امام را چاپ کنند. یک نامه هم برای سربازر گذاشته بودند

## مقاله‌های مرتبط

ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۸۱

**گفت‌وگوی «جوان» با خواهر شهیدان عباس و محمد حسن اردستانی از شهدای خیابان شهادت**

# متولد عاشورا شهید اربعین شد



شهید عباس اردستانی (سمت راست) در کنار شهیدانوزیر

بر گردد، اما مخالفت می‌کنند و می‌گویند وقتی می‌روم که سرم افتاده باشد. چند ساعت بعد هم گلوله توبی می‌آید و با برخورد مستقیم به سر عباس، آن را متلاشی می‌کند. دوستش شهید رضا مرادی حرف عجیبی می‌زد. می‌گفت صبح روز بعد از شهادت عباس وقتی به رسم عادت به او سلام دادم، عباس از داخل تاپوت جواب سلام را داد. شهید مرادی وقتی صدای عباس را از پیکرش می‌شنود، کنترل خودش را از دست می‌دهد و خون او را به رویا پخش می‌کند و خون برادرم روی برف‌ها می‌ریزد. در همین حال رضا مرادی فریاد می‌زده که خدایا این قربانی را از ما قبول کن.

**بعد از شهادت عباس اردستانی هم که خیابان شهادت، به شهادت جوان‌هایش عادت می‌کند؟**

بله، به نوعی شهادت عباس راه را برای دیگر جوان‌های این محله باز کرد. بعد از شهادت او می‌بخشید. بعد از شهادت خلیلی‌ها آمدند و از کمک‌های او برایمان تعریف کردند. نزدیک عباس بعد از او به شهادت رسیدید و الان خانه پدری ما در کوچه شهید فتحی در خیابان شهادت قرار دارد. از دوستان عباس خلیلی‌هایشان به شهادت رسیدند.

**از محمد حسن برادر دیگر تان بگویید.**

**ایشان چطور روحیاتی داشت؟**



شهید عباس اردستانی (سمت راست) در کنار شهیدانوزیر

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۰۶۶

از راست به چپ

- ۱- مسجد و بازاری در شیراز- شریک در انجام جرم- دوست- ۲- سورهای که واجب است آن را در نماز بخوانیم- تکنوازی- خیرگزاری رسمی ایران ■ ۳- غول یخی هیمالیا- رقت قلب- برنده‌ای کوچک‌تر از کیبوتر
- ۴- نوعی شیرینی- مراجعه به آرای عمومی- ساز تیره ■ ۵- برده سینما- نوعی سیستم دفاعی در بازی‌های تیمی
- ۶- بیابان- دست نخورده- صدای مهیب- شهر خرما ■ ۷- زمان مرگ- پرزده سخنگو- مجازا به معنی لپچه و طرز تکلم و گفتار هر قوم و ملت است ■ ۸- میزان سنگینی چیزی- واحد اندازه‌گیری آب رودخانه- مروراید چشم- رگ گردن که هنگام غضب بر جسته می‌شود ■ ۹- دیرنشین- سرمربی آر سننال- لکنت ناگهانی زبان ■ ۱۰- بالای فرنگی- نام کشوری قدیمی در بین‌النهرین- ذره باردار- بازراختنی می‌کند ■ ۱۱- کشور مالدینی- حزبی در انگلیس
- ۱۲- از الحان قدیمی ایرانی- کنفرانس- نفس ■ ۱۳- سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت- جاسوسخانه امریکا- خمیازه ■ ۱۴- آوازی است که در آخر افشاری نواخته می‌شود- نیمسال تحصیلی- شیرینی کرمانشاه
- ۱۵- شهری نزدیک اردبیل- سند مالکیت غیررسمی- معامله غیر نقدی

از بالا به پایین

- ۱- یگانگی- نام همسر حضرت موسی- مقیم ■ ۲- اندک- نشاط و شادمانی- انقلابی معروف مکزیکی
- ۳- ساحل دریا- کمک کردن ■ ۴- چپاول- پول تایلند- گسترده ■ ۵- حصرایی در مصر- دشمن سخت- نویسنده آلمانی گروه محکومان ■ ۶- دانه خوشبو- جزایر دوگانه- شاعر و ادیب فرانسوی گل‌های اهریمنی- صفحه اینترنتی
- ۷- تاریخدان- پنهان شدن برای شکار- از نام‌های پیامبر(ص) در قرآن ■ ۸- مؤسس حوزه علمیه قم- داروی کم‌خطرتر از شیمیایی ■ ۹- رقص محلی برزیلی‌ها- زدن ناریق- مهاجم اسپانیایی منچستر یونایتد ■ ۱۰- خط‌کش مهندسی- این فاکتور از پروتئین‌های موجود در گلبول فرماست- شهر نیروگاهی مازندران- بندگی ■ ۱۱- پیکر پهاشنت- تن پوش مردانه- روزها ■ ۱۲- رنگ گیاهی- گام و قدم- شهر مقر یونسکو ■ ۱۳- مغرب- دیروقت شب- قرص روانگردان ■ ۱۴- از شهرهای خراسان رضوی- پدر ادیس نوبی- از حروف صدادار ■ ۱۵- روشن و آشکار- یخ‌زده- زن پادشاه

### گزارش

نمایشگاه کتاب امسال و انتظار استقبال از کتاب‌های دفاع مقدس

### خاطراتی ناب از جنگ که باید خوانده شوند

■ احمد محمد تبریزی

هر ساله و با شروع نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت ماه، تب و تاب کتاب و کتاب‌خوانی در میان مردم بالا می‌گیرد. در میان انتشاراتی‌های مختلفی که در نمایشگاه حاضر هستند و کتاب‌هایی که در حوزه‌های متنوع به چاپ می‌رسند، کتاب‌های شاخص حوزه دفاع مقدس جایگاه ویژه‌ای میان علاقه‌مندان پیدا کرده‌اند. پیدا کردن سوزه‌های جذاب و نگارش روان و بدون اغراق کتاب‌ها از عوامل مهم در استقبال مردم از کتاب‌های حوزه دفاع مقدس است و افراد زیادی را همزمان با شروع نمایشگاه کتاب برای خرید این کتاب‌ها به شهر آفتاب می‌کشاند.

به گزارش «جوان» عملکرد مناسب و قابل تقدیر انتشارات سوره مهر که الگویی برای دیگر انتشاراتی‌ها قرار گرفت موج عظیمی را با خود به همراه آورد تا موجب آشنایی مردم با کتاب‌های حوزه خاطرنگاری جنگ شود. به گونه‌ای که حالا پس از انتشار کتاب تازه‌ای از نویسندگان صاحب‌نام این حوزه، علاقه‌مندان تمایل زیادی نسبت به خرید کتاب نشان می‌دهند و شمارگان چاپ کتاب‌ها خیلی سریع روند صعودی پیدا می‌کند. هم‌اکنون انتشاراتی‌های دیگری همچون روایت فتح، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش و صریح و… با اعمال رویه‌ای درست در نگارش کتاب، آثار خواندنی زیادی را به چاپ می‌رسانند.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش و صریح و… با اعمال رویه‌ای درست در نگارش کتاب، آثار خواندنی زیادی را به چاپ می‌رسانند.
کتاب «گلستان یازدهم» بهناز ضرابی‌زاده یکی از آثاری است که در نمایشگاه کتاب امسال با استقبال مواجه خواهد شد. ضرابی‌زاده پس از نگارش کتاب جذب «دختر شینا»، به سراغ همسر شهید علی

مفقود می‌شد.

**قاعدتاً برای مادر و پدر تان از دست دادن دو فرزند خیلی سخت بود؟**

بله خب طبیعی است. آنها دو جوانشان را از دست داده بودند. منتهای محمد حسن در آخرین اعزامش به مادرمان گفته بود باید خوشحال باشی که اگر من شهید شدم، دست راست را بعد سردمان می‌شد و سریع به خانه می‌آمدیم و به مادرمان می‌گفتم بیخ زدیم و می‌رفتم کنار کرسی پاهایمان را گرم می‌کردیم. محمد حسن شهادت گرفت و پیکر مادرمان در قطعه ۲۵ دفن سالش بود که شناسنامه‌اش را دستکاری کرد تا راهی شود. با شهید صیفی همراه شد و با هم به جبهه رفتند. مادرم نگرانش بود. بعد از شهادت گرفت و پیکر مادرمان در قطعه ۲۵ دفن فرزندان دیگرش هم شهید شوند. خود حسین دیگر برادرمان سه ماه در جزیره مجنون مفقود شده بود، اما محمد حسن خیلی به رفتن اصرار داشت. چند باری هم رفت دو، سه بار مجروح دو، سه‌هه بار هم دچار موج گرفتگی شد. نهایتاً ۱۲۴ اسفندماه ۶۴ در سلیمانیه عراق به شهادت رسید. پیکرش باصابت خمسه خمسه طوری از بین رفته بود که بالا تنه‌اش از زیر چانه به کلی از بین می‌رود. برادر شوهرم شهید محمد حسن ابراهیمی مسئول تعاون قرارگاه نجف توانسته بود پیکرش را شناسایی کند. و گرنه پیکرش

چیت‌سازبان رفته تا با مرور خاطرات، زندگی عاشقانه شهید را پیش‌روی خوانندگان قرار دهد. «گلستان یازدهم» یک عاشقانه آرام در دل جنگ است و برای نویسنده یک قدم رو به جلو محسوب می‌شود.

کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» یکی از دیگر از کتاب‌های شاخص دفاع مقدس است که انتظار زیادی برای استقبال از این کتاب می‌رود. کتابی که سال ۱۳۹۳ منتشر شده و پس از تقریظی که رهبر انقلاب در بهمن ماه سال گذشته بر آن نوشتند، بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. رهبری این کتاب را بهترین کتاب‌های خاطرات جنگ دانستند و نوشتند: «نگارش درست و قوی، ذوق سرشار، سلیقه و حوصله، همت بلند، همه باهم دست به کار تولید این اثر شده‌اند.»

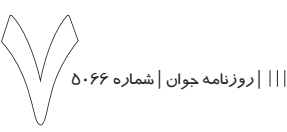
کتاب خاطرات سردار جانباز میرزا محمد سلگی فرمانده گردان «حضرت ابوالفضل(ع)» را روایت و اطلاعات خواندنی و جذابی به خواننده‌اش منتقل می‌کند.

یکی دیگر از کتاب‌های پر امید نمایشگاه کتاب امسال در حوزه دفاع مقدس کتاب «وقتی مهتاب گم شد» است. این کتاب خاطرات جانباز سرفراز علی خوش‌افظ، از هم‌زمان حجاج احمد متوسلیان را در

حضور داشتند. در زمینه رمان و داستان با اینکه چند سالی است روند رو به رشدی مشاهده نشده اما همچنان آثار خواندنی خوبی وجود دارد. رمان «عقاب‌های تپه ۶۰» اثر محمد رضا بایرامی یکی از این آثار است که نگاهی تازه به جنگ دارد. در این کتاب

مفاهیم انسانی- احساسی جای زد و خورد را گرفته و به زندگی دوره‌ی رزمندگان توجه دارد یا به طور مثال در بخشی از کتاب رزمندگان به صداواپا برنده اسپید دیده می‌پردازند. کتاب‌های سیدمهدی شجاعی، احمد دهقان، محمد رضا بایرامی، حسن بنی‌عاسری کارهای خوبی در این زمینه دارند که از نظر ادبی ارزش بالایی دارند و توسط جامعه پذیرفته شده‌اند و به دور از کلیشه هستند.

این کتاب‌ها می‌تواند منبع موق و مهمی برای مخاطبان جوان و کنجگاو باشد که در پی بررسی این دوره تاریخی ایران است. دوره‌ای تاریخی و طلایی که مملو از ارزش، انسانیت و برادری است و خواندن این آثار کمک زیادی دارند که از نظر ادبی سبک زندگی افراد می‌کند. استقبال از این آثار امیدها برای کنکاش بهتر و دقیق‌تر در اتفاقات جنگ هشت‌ساله را برای پدیدآوردنگان بالا می‌برد.



روزنامه جوان | شماره ۵۰۶۶



— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 200 —

— 2